禪

شبکیه

بیایید خاکستری ببینیم . . . . .

مدتی پیش، دو فیلم «فرا ماشین » (Ex Machina) و «بازیکن » (Gamer) را بدون اینکه هیچ پیشزمینه مهمی درباره آنها داشته باشم، با فاصله کمی دیدم و شگفتزده شدم؛ زیرا حس میکردم بر خلاف اکثر فیلمهای علمی تخیلی، به شکلی کاملاً دقیق دنیای امروز ما را به تصویر کشیدهاند .

در فیلم «فرا ماشین » (2015) گذشته از نتیجهگیری بسیار مهم در آخر فیلم، میتوان در لابهلای گفتههای شخصیتهای انسانی آن (که اساساً دو نفر بیشتر نیستند)، مطالب مهمی را درباره فضای امروز فناوری اطلاعات یافت . به نظرم یکی از جالبترین گفتوگوهای فیلم جایی است که ناتان (مدیر شرکت بلوبوک و سازنده روبات اِیوا) کالب را که چند روزی بهعنوان پاداش مهمان او شده است، به کارگاه ساخت اِیوا میبرد . ناتان در آنجا درباره اینکه چطور هوش مصنوعی اِیوا را آموزش داده است تا حالات چهره را بشناسد و تقلید کند، این طور به کالب توضیح میدهد که دوربینها و میکروفنهای تلفنهای همراه سراسر دنیا را فعال و دادههای حاصل را برای آموزش هوش مصنوعی اِیوا استفاده کرده است . کالب میپرسد: «یعنی همه تلفنهای همراه دنیا را هک کردی؟ » و ناتان پاسخ میدهد : «بله و البته همه سازندگان این تلفنها از این موضوع اطلاع داشتند .» وی اضافه میکند، یکی از دلایلی که او تاکنون متهم نشده این بوده است که خود شرکتها هم از این کار سود بردهاند . ناتان درباره موتورهای جستوجو و دادههایی که از این موتورها به دست میآید، میگوید : «کلی ماده خام که هیچ کس نمیدانست با آنها چه کار کند » و دیدگاه مهمی که از زبان ناتان میشنویم : «رقبای من روی استخراج این دادههای خام و کسب درآمد از طریق خرید و رسانههای اجتماعی متمرکز بودند . آنها فکر میکردند با موتورهای جستوجو میشود فهمید مردم به چه فکر میکنند، اما در واقع موتورهای جستوجو نشان میدهند مردم چطور فکر میکنند .» همان طور که میبینید، آنچه در این فیلم با آن روبهرو هستیم، بخشهایی از زندگی روزمره ما است و خیلی هم دور از ذهن به نظر نمیرسد . شرکت بلوبوک که توسط ناتان رهبری میشود، به طرز شگفتآوری من را

به یاد شرکت گوگل انداخت که البته ارجاعات فراوان فیلم این حس را بیشتر تقویت میکرد . فیلم «فرا ماشین» در کنار نظرات جالبی که درباره هوش مصنوعی ارائه میدهد و این نظرات را به سینماییترین شکل ممکن به تصویر میکشد، نگاه جالبی به تلقی شرکتها از فضای مجازی و «دادههای خام » دارد . اینکه شرکتها از مردم برای تسلط بر مردم استفاده میکنند .

اما فیلم «بازیکن » نگاه دیگری هم مطرح میکند که به نظرم روی دیگر این ماجرا است . این فیلم در سال 2009 حوالی همان سالهایی اکران شد که شبکههای اجتماعی در حال انداختن قلاب در میخهایی بودند که سالها پیش بر صخره کاربران کوبیده شده بود . چند سالی بود بسترهایی نظیر «زندگی دوم » (Second Life) محبوبیت گستردهای پیدا کرده بودند و بسیاری از مردم «زندگی دوم » را یک اتاق چت بسیار بزرگ با قابلیتهایی دیوانهوار میدیدند . فیلم «بازیکن » هرچند نشان میدهد که شخصیت اصلی فیلم و همسرش در حکم بردههایی زنده در دنیای مجازی درگیر بازیهای کاسبکارانه بزرگان دنیا هستند و زندگی آنها در حال از هم پاشیدن است، اما این را هم نشان میدهد که بسیاری از همین مردمی که ادعای تحت ظلم و استثمار قرار گرفتن دارند، خود با حرص و ولع رقابتهای خشنی را دنبال میکنند که در آن بازیکنان باید برای برنده شدن همنوعان خود را به فجیعترین شکل ممکن از بین ببرند . حتی همین مردم در محیطهای مجازی خوشرنگ و لعاب به شرارت و فریب دادن یکدیگر و خوشگذرانی میپردازند . به نظر من، این دو فیلم فضای دنیایی که مدتها است در آن به سر میبریم را بهخوبی به تصویر کشیده است .

آنچه امروز بیش از پیش درباره آثار منفی استفاده از فضاهای مجازی میشنویم، آسیبپذیر بودن مردم بهعنوان کاربران این فضاهای مجازی است . به طوری که در یک سوی ماجرا شرکتهایی با پشتوانه مالی و احتمالاً سیاسی قوی قرار گرفتهاند که مردم عادی و بیخبر از همه جا را استثمار میکنند و پول روی پول میگذارند و در سوی دیگر، مردمی بیگناه قرار گرفتهاند که در قالب کاربران دنیاهای مجازی مورد ظلم و ستم شرکتهای بزرگ قرار میگیرند .

به نظر من این نگاه سیاه و سفید مطلق خیلی صحیح نیست و باید نگاه را کمی واقعبینانهتر کرد . در اینکه مدتها است شرکتهای بزرگ و حتی شرکتهایی که با ارائه نرمافزارها و بازیهای کوچک به محبوبیت رسیدهاند، روی جمعآوری دادهها و استفاده از آنها در مقاصدی نامشخص فعالیت دارند شکی نیست، اما آیا همه این تیرگی به شرکتها معطوف است و ما کاربران این فضاها کاملاً پاک و بیگناه هستیم؟ کاملاً سفید دیدن ماجرا (اینکه شرکتهای بزرگ یک سره در حال فریب کاربران هستند) و کاملاً سیاه دیدن ماجرا (اینکه هیچ هدفی در پس فعالیتهای شرکتها نیست و این کاربران هستند که یک سره شرارت میکنند) به هیچ وجه منطقی نیست. بهترین کار این است که نگاهی خاکستری، دقیق و منطقی داشته باشیم .

نویسنده :
مهدی صنعتجو
دسته بندی:
دیدگاه و یاداشت
تاریخ انتشار :
22:00 - 15/06/1394
برچسب:
شبکههای اجتماعی - حریم خصوصی - امنیت شبکههای اجتماعی - حریم خصوصی کاربران - گوگل - زندگی دوم -
فیلم زندگی دوم - فرا ماشین - فیلم فرا ماشین - فیلم پازیکن

□□□□□ منبع : https://www.shabakeh-mag.com/opinion/1487